

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال هشتم، شماره چهارم (پیاپی ۳۰)، زمستان ۱۳۹۸

شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X-۲۵۸۸

<http://serd.khu.ac.ir>

صفحات ۱۹-۳۴

تحلیل عوامل اثرگذار بر توانمندسازی روستاییان

مورد: بخش چنادر شهرستان ساوجبلاغ

سعید عزیزی؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
مسعود مهدوی حاجیلویی*؛ استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
ریباز قربانی نژاد؛ دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۵/۱۵

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۱۷

چکیده

توانمندسازی از اجزای لازم برای رسیدن به توسعه پایدار به حساب می‌آید؛ به‌گونه‌ای که، دستیابی به توسعه پایدار، بدون توانمندسازی اقشار ضعیف جامعه امکان‌ناپذیر توصیف می‌شود. هدف پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی روستاییان در بخش چنادر شهرستان ساوجبلاغ است. این پژوهش از نظر هدف «کاربردی» و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، «توصیفی، پیمایشی» است. شاخص‌های تحقیق با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی تحقیقات گذشته تدوین شده است. در این پژوهش از شاخص‌های (شاخص بهره‌مندی از ظرفیت‌های جغرافیایی، خدمات کمیته امداد، آموزش، علاقه، مشارکت و گردشگری) با ۲۱ گویه استفاده شده است. جامعه آماری با توجه به موضوع پژوهش، ساکنان دهستان چنادر با جمعیت ۲۸،۸۴۱ نفر بوده است که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین گردید. مقیاس اندازه‌گیری براساس طیف لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد و نحوه نمره دهی پرسش‌ها نیز از نمره ۱ تا ۵ بود. برای تحلیل از روش‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS و لیزرل انجام گردید. نتایج نشان می‌دهند که بالاترین ضریب استاندارد را شاخص بهره‌مندی از ظرفیت‌های جغرافیایی (۱/۰۰) به دست آورده است و بعد از آن شاخص‌های خدمات کمیته امداد (۰/۸۸)، آموزش (۰/۸۱)، علاقه (۰/۷۸)، مشارکت (۰/۷۵)، گردشگری (۰/۶۳)، قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: توانمندسازی، بخش چنادر، تحلیل عاملی تأییدی، کمیته امداد، ساوجبلاغ.

* mahdavihaj@yahoo.com

(۱) مقدمه

فقر در جوامع انسانی، مترادف با ناتوانی افراد در برآورده نمودن نیازهای اساسی زندگی است. پیدایش فقر به زمانی برمی گردد که جوامع انسانی به مازاد تولید دست یافتند و در سایه‌ی آن سلسله‌مراتب اجتماعی بر اساس تمایزهای ناشی از دسترسی نابرابر به مازاد تولید شکل گرفت. در نتیجه شمار فقرا در سراسر جهان و به ویژه در روستاها رو به افزایش نهاد(افتخاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۲). از دهه‌های پایانی قرن بیستم توجه به فقرزدایی و حمایت از قشرهای درآمدی آسیب‌پذیر در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت و حمایت‌های جدی سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن سبب گردید که در اکثر کشورهای جهان سوم این موضوع در دستور کار قرار گیرد. در همین راستا، سازمان ملل متحد دهه ۱۹۹۰ را دهه ریشه‌کنی فقر نام‌گذاری کرد و بانک جهانی برای ایجاد جهانی عاری از فقر، دولت‌ها را به اقدام مؤثر برای حذف گرسنگی، توسعه مسکن و برخورداری از بهداشت و آموزش دعوت کرد(زاهدی مازندرانی، ۱۳۹۴: ۴۳۷). گرچه فقر مشکلی جهانی است، اما بروز بیشتر آن در روستاها باعث شده که به‌عنوان مهم‌ترین مشکل نواحی روستایی مطرح شود (کرد و آبتین ۱۳۹۲: ۲). امروزه توسعه روستایی تا حدودی تابعی از توانمندسازی روستاییان است، زیرا تغییر و تکامل دانش، مهارت و نگرش روستاییان به توسعه روستایی منجر می‌شود. در این ارتباط، همان طوری که روستاییان از پذیرش روش‌های جدید و جدیدتر استقبال می‌کنند، به تبع آن افکارشان متحول می‌گردد و در نتیجه نگرش جدیدی در آنها نسبت به فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی ایجاد می‌شود و با ارتقای ظرفیت‌های شناختی(آگاهی و دانش) خود، موجبات توسعه پایدار مناطق روستایی را فراهم می‌سازد(حیدری ساربان، ۱۳۹۱: ۱۶۹).

از این‌رو، در فرآیند توسعه روستایی، فقرزدایی، تأمین نیازهای اساسی و توانمندسازی فقرا، جایگاه اساسی دارد و حتی توسعه روستایی نیز به‌عنوان راهبردی برای فقرزدایی در نواحی روستایی تعریف می‌گردد و ضرورت فقرزدایی از طریق برنامه‌ریزی توسعه روستایی مورد تأکید قرار می‌گیرد (محمدی یگانه و همکاران ۱۳۹۳: ۲۳۴). با توجه به اینکه جامعه روستایی ایران به میزان زیادی با بیکاری (آشکار و پنهان) مواجه است، می‌توان گفت که توانمندسازی حل سودمندی برای خروج از بیکاری و فقر است (میرزایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۰). به همین منظور در ایران برای مبارزه با فقر و نابرابری‌های درآمدی و توانمندسازی اقشار جامعه روستایی، سازمان‌ها و نهادهای رفاهی متعددی در قالب راهبردهای حمایتی ایجاد شده است. در بین نهادهای حمایتی کمیته امداد امام خمینی(ره) به‌عنوان نهاد یا سازمان غیرانتفاعی عام‌المنفعه، به لحاظ رسالتی که دارد، با درصد بیشتری از مردم فقیر روستا سروکار دارد و برنامه‌های حمایتی را در خصوص کاهش فقر روستاییان انجام می‌دهد. کمیته‌ی امداد در واقع یک‌نهاد کاملاً خیریه‌ای نیست بلکه در کنار امور خیریه به کارهای دیگری نیز می‌پردازد و بنابراین در جهت کاهش ابعاد مختلف فقر(فقر درآمدی،

قابلیتی یا مشارکتی، فقر مبتنی بر طرد اجتماعی)، اقتصادی راهبردها (رشد اقتصادی و توسعه‌ی انسانی) و سیاست‌های مختلفی (مستقیم و غیرمستقیم) را به کار می‌گیرد. هدف کمیته‌ی امداد شناخت محرومیت‌های مادی و معنوی و خدمات‌رسانی به افراد تحت پوشش، توانمندسازی و خودکفا کردن مددجویان روستایی به‌منظور فقرزدایی آنان است (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۲). از این‌رو هدف پژوهش حاضر بررسی نقش عوامل مؤثر بر توانمندسازی مددجویان روستایی بخش چن‌دار شهرستان ساوجبلاغ است.

۲) مبانی نظری

در خصوص مفهوم توانمندسازی، تعاریف متفاوتی ارائه شده است که این امر را می‌توان ناشی از دو عامل مهم دانست: نخست، چندبعدی بودن این مفهوم و دوم، کاربرد آن در حوزه‌های مختلفی چون مدیریت، روانشناسی، جغرافیا، کشاورزی و جامعه‌شناسی (میرزایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۱). توانمندسازی به معنی تشویق افراد برای مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیرهای است که بر فعالیت آن‌ها مؤثر است، یعنی اینکه فضایی برای افراد فراهم شود تا بتوانند ایده‌های خوبی را بیافرینند و آن‌ها را به عمل تبدیل کنند (Evans, ۲۰۱۰: ۲۳۴). در واقع توانمندسازی به‌عنوان ظرفیتی برای خوداتکایی و اعتمادبه‌نفس در مقابل وابستگی است. این فرایندی است که از طریق آن اشخاص، سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های به حاشیه رانده شده، می‌توانند سازمان خود را تقویت کنند و خودشان را از تسلط ایجادشده توسط ساختارها یا روابط، آزاد کنند (Sharma & Kirkman, 2015:199).

در مجموع توانمندسازی فرآیندی است که در آن افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها بر مسائل و مشکلاتی که با آن مواجه هستند، کنترل و اختیار پیدا کنند. بنابراین، هدف توانمندسازی کمک به افراد ضعیف است که تلاش نمایند مهارت‌ها و توانایی‌هایشان را برای کنترل عاقلانه بر زندگی افزایش داده و بر ضعف‌هایشان غلبه نمایند و جنبه‌های مثبت زندگی‌شان را بهبود بخشند (کیمیایی، ۱۳۹۰: ۶۲). ابعاد مختلفی برای توانمندسازی ذکر شده است که می‌توان آن‌ها را در شش بعد بدین شکل خلاصه کرد: اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی و فردی (غفاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۳).

همان‌گونه که تعاریف متعددی از توانمندی ارائه شده است نظریه‌های متعددی در مورد توانمندسازی و فقرزدایی مورد بحث اندیشمندان بوده است. محور اصلی این نظریه‌ها تغییر ساختار و شرایطی است که نابرابری‌ها را تحمیل می‌کند. با در نظر گرفتن اینکه نابرابری‌ها در هر نقطه‌ای از دنیا با توجه به شرایط فرهنگی، تاریخی و اجتماعی متفاوت است، این نظریه‌ها بر دو پیش‌فرض استوار است: ۱: ارتقای توان افراد برای اتکاء به خود موجب افزایش قدرت آن‌ها خواهد شد؛ و ۲: قدرت نشانه برتری فرد نیست، بلکه کنترل منابع مادی و غیرمادی می‌تواند به توزیع عادلانه‌تر و برابری کمک نماید. از نظر طرفداران این نظریه‌ها،

برآورده ساختن نیازهای اساسی از حقوق اولیه تمام افراد است و هر فردی باید امکان آن را داشته باشد که از توانایی‌ها و خلاقیت‌های خود استفاده کند. بنابراین اقشار ضعیف جامعه باید بیاموزند که با خودیاری و اعتمادبه‌نفس در پذیرش و توزیع مسئولیت‌ها چه در خانواده و چه در جامعه شرکت کنند (زیاری، ۱۳۹۳: ۸۸).

در ادبیات توسعه، مفهوم توانمندسازی به‌منظور مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی از دو جنبه و رویکرد بررسی شده است: الف) رویکرد انگیزشی توانمندسازی؛ در این رویکرد، هدف تواناسازی و تقویت خودباوری است ب) رویکرد شناختی توانمندسازی؛ این رویکرد، توانمندسازی را به‌طور وسیع‌تر به‌مثابه یک حالت انگیزش درونی در ارتباط با شغل تعریف می‌کند که شامل پنج احساس درونی است:

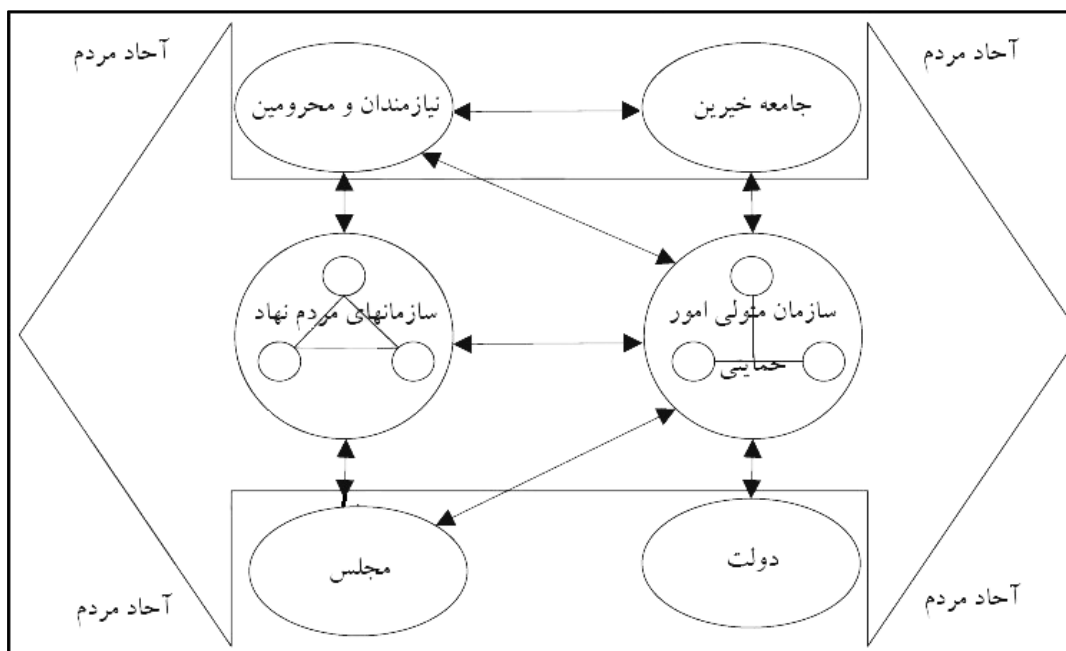
۱. معنی‌دار بودن: یعنی اینکه فرد وظیفه‌ای را که انجام می‌دهد بامعنی و ارزشمند تلقی کند.
۲. شایستگی: شایستگی یا خودباوری، اعتقاد فرد به توانایی و ظرفیت خود برای انجام کار است.
۳. تأثیر: عبارت از حدی که در آن فرد توانایی نفوذ در پیامدهای کار خود را دارا است.
۴. خود تعیینی: یا حق انتخاب یک احساس فردی در مورد حق انتخاب برای تنظیم فعالیت‌هاست. درحالی‌که شایستگی یک مهارت رفتاری است همچنین، به آزادی عمل شاغل در تعیین فعالیت‌های لازم برای انجام وظایف شغلی اطلاق می‌گردد.
۵. اعتماد: درنهایت اعتماد به معنی آن است که افراد احساس کنند که با آن‌ها منصفانه و یکسان برخورد خواهد شد (Fernandez & Moldogaziev, 2015: 376-377).

به‌طور کلی عوامل مختلفی در توانمندسازی افراد مؤثر است؛ این عوامل از دیدگاه‌های متفاوتی دسته‌بندی شده‌اند یکی از دیدگاه‌های معروف، دیدگاه اسپریتزر جرجن (۱۹۹۲) است. به باور وی عوامل اصلی مؤثر بر توانمندسازی عبارت‌اند از:

- عوامل فردی: تحصیلات، سابقه کار، جنسیت، نژاد، کانون کنترل درونی، عزت‌نفس؛
- عوامل گروهی: اثربخشی گروه، اهمیت گروه، اعتماد درون گروهی، ادراک افراد گروه نسبت به تأثیرشان بر مدیران؛ عوامل سازمانی: ابهام در نقش، دسترسی به منابع، حیطه کنترل، دسترسی به اطلاعات، حمایت اجتماعی سیاسی، جایگاه فرد در سلسله‌مراتب سازمانی، جو مشارکتی واحد کار (ضیایی و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۲).

به‌هرحال، باوجودآنکه مسئله توانمندسازی، سابقه‌ای چند ده‌ساله دارد، لیکن بیش از یک دهه است که اندیشمندان حوزه منابع انسانی، تمرکز ویژه‌ای بر این موضوع داشته و ابعاد، اهداف، راهبردها، الگوها، مدل‌ها و سازوکارهای آن را مورد مطالعه و تحقیق قرار داده‌اند (نیاز آذری و تقوایی یزدی، ۱۳۹۳: ۱۶۰).

بر این اساس، توانمندسازی خانوارهای نیازمند روستایی، مستلزم تعاملات مناسب میان سازمان‌های حمایتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، برنامه ریزان و دلسوزان جامعه است (شکل ۱).



شکل ۱. الگوی تعاملی میان عوامل مطرح در توانمندسازی خانوارهای نیازمند روستایی

منبع: رضایی تبار و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۵ به نقل از اصغری لقمجانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۷.

با توجه به چندبعدی بودن مفهوم توانمندسازی، در جامعه روستایی توانمندسازی اقتصادی بیشتر از ابعاد دیگر دارد. در همین راستا مطالعات داخلی و خارجی زیادی صورت گرفته است که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

ابایومی^۱ و ابادات^۲ (۲۰۱۴) به نقش سازمان‌های غیردولتی در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی در نیجریه پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داده است که عدم دسترسی به تسهیلات اعتباری، عدم دسترسی به زمینه‌ای کشاورزی و محدودیت‌های محیطی، عدم دسترسی به اطلاعات، عدم برنامه‌های آموزشی مناسب و عدم ظرفیت‌سازی توسط سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان عوامل مانع در برابر توانمندسازی اقتصادی زنان در منطقه مورد مطالعه به شمار می‌رود.

استارت^۳ (۲۰۰۷)، در تحقیق خود پیرامون طراحی و تبیین الگوی توانمندسازی روستاییان مالزی به این نتیجه رسید که عوامل شخصی (سن و وضعیت تحصیلی)، عوامل اجتماعی و اقتصادی (بعد خانوار، اندازه

۱. □□□□□□

۲. □□□□□□

۳. □□□□□□

مالکیت زمین، میزان استفاده از نهادهای کشاورزی و وضعیت بهره‌برداری از اراضی کشاورزی) و عوامل محیطی (میزان استفاده از سموم و کود شیمیایی، میزان حفاظت از خاک، شاخص‌های توسعه حفاظت از خاک) از مهم‌ترین عوامل در توانمندسازی روستایی به شمار می‌رود.

کینی (۲۰۰۶) در مطالعات خود که پیرامون خود اثربخشی و نقش آن در احساس توانمندی روستاییان در آفریقا انجام داد، به این نتیجه رسید که بین توانمندسازی و میزان ماندگاری در روستا، میزان تمایل به کارگروهی، وضعیت فعالیت‌های آموزشی، میزان استفاده از کالاهای فرهنگی و میزان مشارکت در امور روستا رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

ابراهام (۲۰۱۱) در پژوهش خود با عنوان اندازه‌گیری توانمندسازی اجتماعی کشاورزان در هند به این نتیجه دست‌یافت که اجزای اصلی اندازه‌گیری توانمندی اجتماعی کشاورزان، قدرت تصمیم‌گیری و سابقه شغلی است و اعضای مسنتر گروه‌های خودیار کشاورزان، بیشتر توانمند هستند.

لنگرودی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی روستاییان در توسعه‌ی کارآفرینی بخش‌های زند و سامن شهرستان ملایر پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وجود عوامل فردی و محیطی در افزایش توانمندی روستاییان برای ایجاد و توسعه‌ی کسب‌وکار تأثیر دارد. عوامل مؤثر از منظر گروه کنترل در این تحقیق عبارت‌اند از عامل سازمانی، عامل منابع مالی و اقتصادی، عامل مهارت و دانش، عامل خانواده، عامل عزت‌نفس، عامل مشارکت اجتماعی و عامل زیرساختی.

محمد پور و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان ارزیابی کیفی عملکرد سازمان‌های بهزیستی و کمیته امداد در کاهش فقر زنان سرپرست خانوار ساری، به ارزیابی عملکرد سازمان‌های مذکور در جهت کاهش فقر زنان سرپرست خانوار پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که باوجود تلاش‌های فراوان این دو سازمان حمایتی، بسیاری از اهداف و شاخص‌های کاهش فقر در میان زنان سرپرست خانوار برآورده نشده است. در این راستا، نگاه ساختاری به فقر، تمرکز بر انبساط سازمانی، عدم تعریف اهداف بلندمدت معطوف به فقرزدایی، حمایت‌های جزئی و کم تأثیر، کم توجهی به ابعاد ذهنی و فرهنگی تولید و بازتولید فقر و فرهنگ مرتبط با آن، از جمله موانع دستیابی این سازمان‌ها به کاهش مؤثر فقر معرفی گردیده‌اند.

لغمجانی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی، موانع توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی خانوارهای روستایی مددجویان تحت پوشش کمیته امداد در سیستان را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که؛ محدودیت‌های منابع آب بر فعالیت‌های معیشتی و درآمد و اشتغال به ترتیب مهم‌ترین موانع و

محدودیت‌های اقتصادی و مشکلات سازمانی، ویژگی‌های شخصیتی یا فردی سرپرست خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد به‌عنوان مهم‌ترین محدودیت‌های توانمندسازی اجتماعی در منطقه به حساب می‌آیند.

۳) روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف «کاربردی» و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، «توصیفی، پیمایشی» است. شاخص‌های تحقیق با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی تحقیقات گذشته تدوین شده است. در این پژوهش از شاخص‌های (شاخص بهره‌مندی از ظرفیت‌های جغرافیایی، خدمات کمیته امداد، آموزش، علاقه، مشارکت، گردشگری) با ۲۱ گویه استفاده شده است. جامعه آماری با توجه به موضوع پژوهش، ساکنان دهستان چندار با جمعیت ۲۸،۸۴۱ نفر می‌باشند که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین گردید. مقیاس اندازه‌گیری براساس طیف لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد و نحوه نمره دهی پرسش‌ها نیز از نمره ۱ تا ۵ بود. برای تحلیل از روش‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار spss و لیزرل انجام گردید. ابتدا بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای با رفتار زیست‌محیطی با نرم‌افزار spss تحلیل گردید و با استفاده از نرم‌افزار لیزرل تأثیر و رابطه متغیرهای تحقیق (مدل مفهومی) مورد بررسی قرار گرفت.

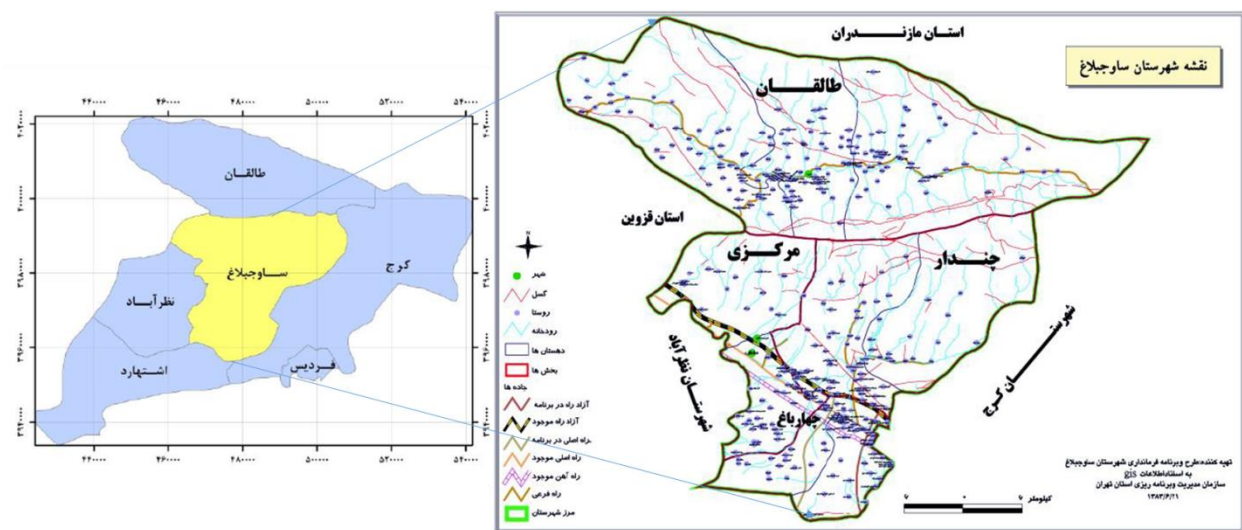
تحلیل عاملی تأییدی تحلیلی است که طی آن محقق انتظار دارد طرح و نقشه خاصی از عوامل پنهان در ماورای متغیرها را بیازماید. در این نوع، انتظار می‌رود متغیرها چیدمان خاصی داشته باشند. در این روش محقق به آزمون فرضیاتی مربوط به یک ساختار عاملی خاص اقدام می‌کند. در این تحلیل پژوهشگر به دنبال تهیه مدلی است که فرض می‌شود داده‌های تجربی را بر پایه چند پارامتر نسبتاً اندک، توصیف و تبیین یا توجیه می‌کند. به‌منظور پی بردن به متغیرهای زیربنایی یک پدیده یا تلخیص مجموعه‌ای از داده‌ها از روش تحلیل عاملی استفاده می‌شود. داده‌های اولیه برای تحلیل عاملی، ماتریس همبستگی بین متغیرها است. تحلیل عاملی، متغیرهای وابسته‌ی از قبل تعیین‌شده‌ای ندارد. در تحلیل عاملی مرتبه اول ارتباط سنجه‌ها با شاخص‌ها را می‌سنجیم و سپس در مدل اندازه‌گیری مرتبه دوم ارتباط شاخص‌ها با سازه اصلی تحقیق را به دست می‌آوریم. مدل تحلیل عاملی مرتبه دوم را به‌عنوان نوعی از مدل‌های عاملی تعریف می‌کنیم که در آن عامل‌های پنهانی که با استفاده از متغیرهای مشاهده‌پذیر اندازه‌گیری می‌شوند، خود تحت تأثیر یک متغیر زیربنایی‌تر و به عبارتی متغیر پنهان، اما در یک سطح بالاتر قرار دارند (صادق‌پور و مرادی، ۱۳۸۹: ۲۰۶). به‌عبارت‌دیگر مدل‌های عاملی مرتبه دوم هنگامی مطرح می‌شود که عامل‌های مرتبه اول به‌وسیله ساختار عاملی رتبه بالاتر تبیین می‌شوند (اسفیدانی و محسنین، ۱۳۹۲: ۹۲).

شهرستان ساوجبلاغ با وسعتی حدود ۲۷۸۵ کیلومتر مربع در منتهی‌الیه غرب استان البرز واقع شده و حدود ۱۲ درصد از وسعت استان را دربرگرفته است. این شهرستان بین ۳۵ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۳۶

درجه و ۵ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۵۵ دقیقه طول شرقی واقع شده است و از شرق به شهرستان کرج، از جنوب به شهرستان‌های نظرآباد و کرج، از غرب به شهرستان آبیگ و از شمال به شهرستان به شهرستان تنکابن منتهی می‌شود.

این شهرستان از ۳ بخش به نام‌های مرکزی، چن‌دار، چهارباغ و ۵ شهر به نام‌های هشتگرد، شهر جدید هشتگرد، طالقان، چهارباغ و ۹ دهستان به نام‌های سعیدآباد، هیو، چن‌دار، برغان، رامجین و چهاردانگه تشکیل شده است.

بخش چن‌دار واقع در استان البرز و یکی از بخش‌های مهم ساوجبلاغ (چشمه آب سرد) است که از نظر موقعیت جغرافیایی از خاور و جنوب به بخش چهارباغ، از شمال به شهرستان طالقان و از باختر به بخش مرکزی شهرستان ساوجبلاغ و شهرستان نظرآباد منتهی می‌شود و در فاصله ۷ کیلومتری شهر کرج در شمال اتوبان کرج - قزوین قرار دارد. براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت دهستان چن‌دار ۲۸،۸۴۱ نفر است.

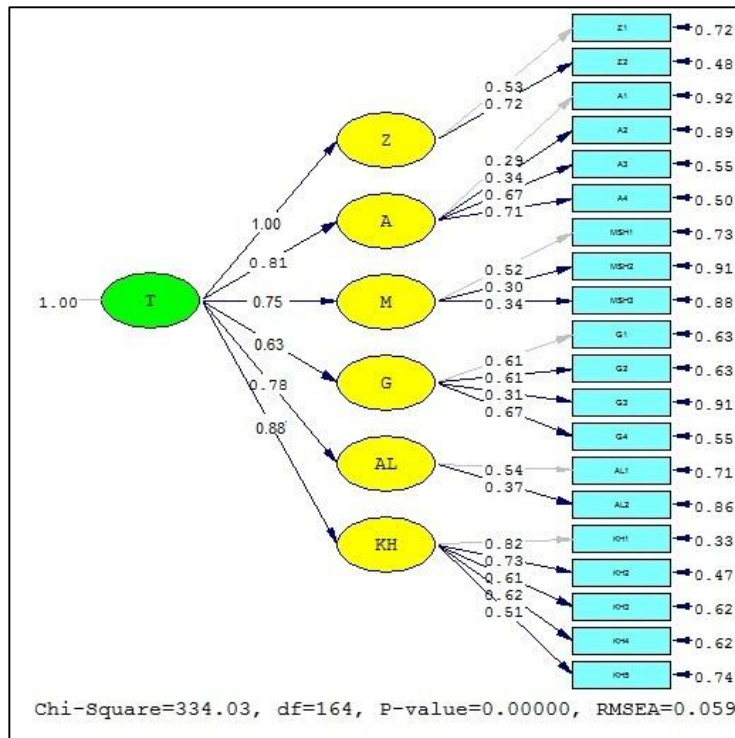


شکل ۲. موقعیت بخش چن‌دار

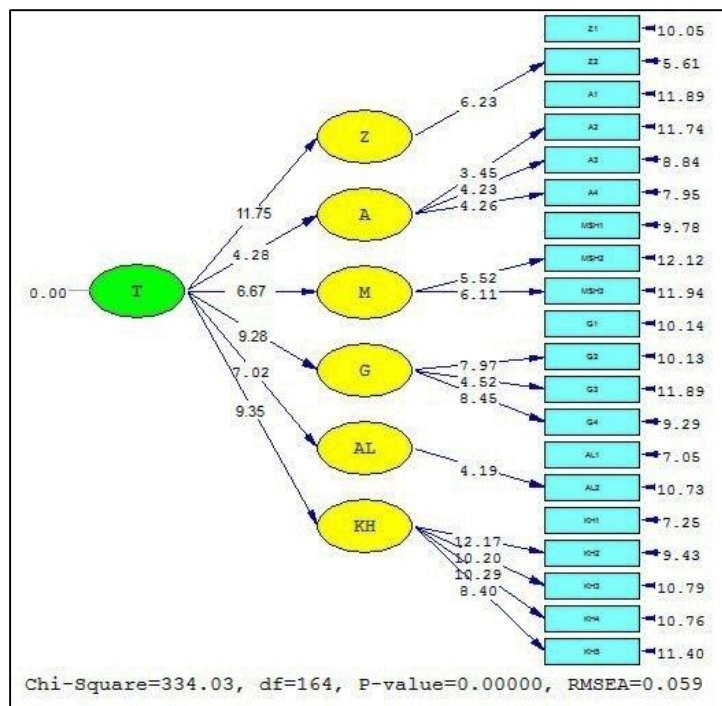
(۴) یافته‌های تحقیق

در این پژوهش برای ۶ شاخص اصلی سؤال‌هایی طرح‌شده است که تأثیر آن‌ها را بر توانمندسازی روستاییان نشان دهد. برای بررسی میزان تأثیر هر یک از شاخص‌ها تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم در نرم‌افزار Lisrel استفاده گردید. نتایج این مدل در شکل‌های شماره و شماره و جدول شماره ارائه شده است. در تحلیل عاملی تأییدی مقدار ضریب که میزان تأثیر هر یک از شاخص‌ها را در متغیر مکنون نشان می‌دهد

بین صفر و یک است و هرچه به یک نزدیکتر باشد نشان از میزان تأثیر بالای شاخص است. نتایج بررسی در شکل های شماره ۲ (ضرایب استاندارد) و شماره ۳ (ضرایب معناداری) و جدول شماره ۱ ارائه شده است.



شکل ۳. مدل اندازه گیری در حالت ضرایب استاندارد



شکل ۴. مدل اندازه گیری در حالت اعداد معناداری

جهت بررسی معنادار بودن رابطه بین متغیرها از آماره آزمون t یا همان t -value استفاده می‌شود. اگر مقدار t بیشتر از $1/96$ باشد، یعنی اثر مثبت وجود دارد و معنی‌دار است. چون معناداری در سطح خطای $0,05$ بررسی می‌شود بنابراین اگر میزان بارهای عاملی مشاهده‌شده با آزمون t -value از $1/96$ کوچک‌تر محاسبه شود، رابطه معنادار نیست و در نرم‌افزار لیزرل بارنگ قرمز نمایش داده خواهد شد. بنابراین طبق جدول شکل شماره ۳ میزان معناداری تمام سازه‌ها بالاتر از $1/96$ به‌دست آمده است و معناداری آن‌ها تأیید می‌شود.

جدول ۱. ضرایب محاسبه‌شده متغیرها و شاخص‌های تحقیق

متغیر پنهان	ضریب محاسبه‌شده	T	شاخص مشاهده‌پذیر	ضریب محاسبه‌شده	نشانگر
بهره‌مندی از ظرفیت‌های جغرافیایی در توانمندسازی مددجویان روستایی	۱/۰۰	۱۱/۷۵	ظرفیت‌های جغرافیایی طبیعی بخش چندار شهرستان ساوجبلاغ همچون اقلیم مناسب، پوشش گیاهی، خاک حاصلخیز، آب‌های سطحی می‌تواند نقش مهمی در توانمندسازی مددجویان روستایی کمیته امداد با تأکید بر آموزش و اشتغال ایفا کند؟	۰/۵۳	M1
			ظرفیت‌های جغرافیایی انسانی بخش چندار شهرستان ساوجبلاغ همچون تحصیلات، سن اشتغال، جنسیت، مهارت شغلی، سلامت جسمانی، توانایی فردی و ... می‌تواند نقش بسزایی در توانمندسازی مددجویان روستایی کمیته امداد با تأکید بر آموزش و اشتغال ایفا کند؟		
کاربرد آموزش‌های مهارتی کمیته امداد در توانمندسازی	۰/۸۱	۴/۲۸	نوع مهارت شما قبل از برگزاری دوره‌های آموزشی و مهارتی کمیته امداد در چه سطحی بوده است؟	۰/۲۹	A1
			آیا مجدداً مایل به برگزاری و شرکت در دوره‌های تکمیلی آموزشی توسط کمیته امداد هستید		A2
			آیا دوره‌های آموزشی ارائه شده توسط کمیته امداد متناسب با ظرفیت‌های جغرافیایی به توانمندسازی شما کمک کرده است؟		A3
			آیا با آموزش ارائه شده توسط کمیته امداد قادر به انتخاب شغل و راه‌اندازی شغل برای خود و دیگران هستید؟		A4
نقش مشارکت روستائیان در توانمندسازی با بهره‌گیری از	۰/۷۵	۶/۶۷	آیا تاکنون در روستا شما با همکاری سایرین کارهای جمعی و گروهی در خصوص بهره‌گیری از ظرفیت‌های جغرافیایی انجام داده‌اید؟	۰/۵۲	MSH1
			آیا نقش مشارکت روستائیان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های جغرافیایی در توسعه روستا را مهم می‌دانید؟		MSH2

متغیر پنهان	ضریب محاسبه شده	T	شاخص مشاهده پذیر	ضریب محاسبه شده	نشانگر
ظرفیت‌های جغرافیایی			آیا اجرای طرح‌های توسعه‌ای و عمرانی روستا متناسب با ظرفیت‌های جغرافیایی طبیعی برنامه‌ریزی و اجرا شده است؟		MSH3 ۰/۳۴
نقش گردشگری در توانمندسازی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های جغرافیایی	۰/۶۳	۹/۲۸	مایل به استفاده از ظرفیت‌های جغرافیایی طبیعی روستای خود و ایجاد فضای گردشگری در روستای خود هستید؟	۰/۶۳	G1 ۰/۶۱
			آیا گردشگری متناسب با ظرفیت‌های جغرافیایی طبیعی می‌تواند در ایجاد اشتغال و درآمدزایی در روستای شما مؤثر باشد؟		G2 ۰/۶۱
			آیا به وضعیت موجود خود قانع هستید و یا تمایل دارید با بهره‌گیری از ظرفیت‌های جغرافیایی اطراف خود به دنبال تغییر در خود باشید؟		G3 ۰/۳۱
			آیا تاکنون به فکر راه‌اندازی فعالیت اقتصادی مهم (گردشگری و ...) با بهره‌گیری از ظرفیت‌های جغرافیایی محیط اطراف خود بوده‌اید؟		G4 ۰/۶۷
نقش علاقه و انگیزه افراد در بهره‌گیری از ظرفیت‌های جغرافیایی و توانمندسازی	۰/۷۸	۷/۰۲	به نظر شما آیا بین داشتن انگیزه و علاقه برای کسب مهارت آموزشی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های جغرافیایی و در نتیجه فقرزدایی رابطه‌ای وجود دارد؟	۰/۷۸	AL1 ۰/۵۴
			به نظر شما آیا بین داشتن انگیزه و علاقه برای ایجاد فعالیت اقتصادی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های جغرافیایی و در نتیجه فقرزدایی رابطه‌ای وجود دارد؟		AL2 ۰/۳۷
نقش خدمات کمیته امداد در توانمندسازی مددجویان روستایی	۰/۸۸	۹/۳۵	به نظر شما آیا خدمات اشتغال کمیته امداد (آموزش‌های شغلی و پرداخت تسهیلات اشتغال) توانسته است به توانمندی شما کمک کند؟	۰/۸۸	KH1 ۰/۸۲
			به نظر شما آیا خدمات حمایتی کمیته امداد (مستمری ماهانه و کمک‌های موردی) توانسته است به توانمندی شما کمک کند؟		KH2 ۰/۷۳
			به نظر شما آیا بین اجرای طرح‌های اشتغال با بهره‌گیری از ظرفیت‌های جغرافیایی و توانمندی روستائیان رابطه‌ای وجود دارد؟		KH3 ۰/۶۱
			به نظر شما آیا بین فعالیت‌های توانمندسازی کمیته امداد با بهره‌گیری از ظرفیت‌های جغرافیایی و توانمندسازی روستائیان رابطه‌ای وجود دارد؟		KH4 ۰/۶۲
			به نظر شما آیا بین بهره‌گیری از ظرفیت‌های جغرافیایی در فقرزدایی و توانمندسازی روستائیان رابطه‌ای وجود دارد؟		KH5 ۰/۵۱

با توجه به شکل‌های شماره ۲ و جدول شماره ۱ در بررسی تأثیر شاخص‌های تحقیق می‌توان گفت بالاترین ضریب استاندارد را شاخص بهره‌مندی از ظرفیت‌های جغرافیایی (۱,۰۰) به دست آورده است و بعد از آن شاخص‌های خدمات کمیته امداد (۰/۸۸)، آموزش (۰/۸۱)، علاقه (۰/۷۸)، مشارکت (۰/۷۵)، گردشگری (۰,۰۶۳)، قرار گرفته‌اند.

نرم افزار LISREL ضمن آنکه ضرایب مجهول مجموعه‌ی معادلات ساختاری خطی را برآورد می‌کند؛ برای برازش مدل‌هایی که شامل متغیر مکنون، خطاهای اندازه‌گیری در هریک از متغیرهای وابسته و مستقل، علیت دوسویه، هم‌زمانی وابستگی متقابل است، طرح‌ریزی گردیده است. برای ارزیابی برازندگی الگوی معادلات ساختاری از چند شاخص استفاده می‌شود. این شاخص‌ها تعدادی بالغ بر ۳۲ شاخص هستند که به کمک آن‌ها می‌توان درباره‌ی کل مدل و قابل قبول بودن یا غیرقابل قبول بودن آن قضاوت نمود. اگر یکی از این شاخص‌ها قابل قبول نباشد دلیلی بر رد مدل نخواهد بود، بلکه نشان‌دهنده‌ی ضعف نسبی مدل است و این ضعف ممکن است ریشه در مسائل و مشکلاتی داشته باشد که از نمونه‌گیری، جمعیت نمونه یا عامل دیگر نشأت گرفته است. جهت ارزیابی مدل معادله ساختاری آزمون‌ها از شاخص‌های مختلفی استفاده می‌شود که شاخص‌های برازندگی نامیده می‌شوند. در جدول شماره ۶ مهم‌ترین شاخص‌های برازندگی مدل ارائه شده است. با توجه به جدول شماره ۲ می‌توان گفت که شاخص‌های برازش مدل مورد تأیید می‌باشند.

جدول ۲. آزمون برازش مدل اندازه‌گیری

شاخص‌ها	GFI	RFI	IFI	CFI	NFI	NNFI	RMSEA	$\frac{\chi^2}{df}$
معیار	>۰,۹	>۰,۹	>۰,۹	>۰,۹	>۰,۹	>۰,۹	<۰,۰۸	بین ۱ تا ۳
مشاهده شده	۰,۹۰	۰,۹۰	۰,۹۱	۰,۹۳	۰,۹۱	۰,۹۲	۰,۰۵۹	۲,۰۳
نتیجه برازش	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب

(۵) نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی روستاییان در بخش چن‌دار شهرستان ساوجبلاغ پرداخته است. جهت بررسی هریک از عوامل با استفاده از پژوهش‌های قبلی برای ۶ متغیر مورد نظر سؤال‌های تدوین شده است. این پرسشنامه در اختیار شهروندان گذاشته شد سپس داده‌های گردآوری شده وارد نرم افزار SPSS و لیزرل شده است از روش تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم برای تحلیل اثرگذاری هر یک از عوامل بهره گرفته شد. نتایج بیانگر این است که در بخش چن‌دار عامل بهره‌گیری از ظرفیت‌های جغرافیایی بالاترین امتیاز را از نظر روستاییان کسب کرده است. بعد از این شاخص، شاخص خدمات کمیته امداد بالاترین امتیاز را بدست آورده است. بررسی تأثیر این شاخص با پژوهش افتخاری و همکاران (۱۳۹۲) که بیان کردند

که کمیته امداد در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی مسکن منجر به تغییرات معنادار در بخش کندوان شهرستان میانه شده است همسو است. پژوهش قنبری و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی نقش کمیته امداد در توسعه پایدار اشتغال روستایی شهرستان خمین نیز نقش مؤثر کمیته امداد در بهبود وضعیت روستاییان را تأیید می‌کند. همچنین با مطالعه حیدری مکرر و همکاران (۱۳۹۱) در مورد نقش کمیته امداد در توسعه کارآفرینی روستایی و تأثیر طرح‌های خودکفایی و اشتغال در بهبود وضعیت مددجویان روستایی همسو است. سومین شاخصی که بیشترین تأثیر را دارد شاخص آموزش است در این رابطه روحانی و همکاران (۱۳۹۶) بیان می‌دارند که تسهیل‌کننده‌های توانمندسازی روستاییان همچون آموزش و اعتماد در روستاهای ناحیه طارم سبب ارتقا سطح توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی شده است و بعد از آن شاخص‌های علاقه، مشارکت و گردشگری به ترتیب بیشترین تأثیر را بر توانمندسازی مددجویان کمیته امداد بخش چندار دارند.

۶ منابع

- اسفیدانی، محمد رحیم و شهریار محسنین، (۱۳۹۲). مدل‌سازی معادلات ساختاری (آموزشی و کاربردی) به کمک نرم‌افزار لیزرل. تهران: انتشارات مهربان نشر. صص ۳۳۶
- اصغری لقمجانی، صادق، عیسی شهرکی و مهدی نادریان فر، (۱۳۹۵)، موانع توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی خانوارهای روستایی مورد: مددجویان تحت پوشش کمیته امداد در سیستان، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال پنجم، شماره ۱. صص ۱۲۴-۱۰۳.
- بریمانی، فرامرز، زهرا نیک منش و سهیلا خداوردی لو (۱۳۹۱). بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی نمونه موردی: دهستان لکستان شهرستان سلماس، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یکم، شماره ۱، پیاپی ۱، صص ۸۲-۶۹.
- حیدری مکرر، حمید، مهدی نادریان فر، ثریا نادریان فر و عیسی شهرکی، (۱۳۹۱) بررسی نقش کمیته امداد در توسعه کارآفرینی روستایی مطالعه موردی: منطقه پشت آب سیستان، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان.
- حیدری ساربان، وکیل، (۱۳۹۱)، توانمندسازی گامی اساسی در جهت نیل به توسعه روستایی مطالعه موردی: شهرستان مشگین شهر، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۷، شماره ۳، صص ۱۸۸-۱۶۹.
- رضائی تبار، رضا، حمید زارع و محمد مقیمی، (۱۳۹۱)، الگوی تعاملی توانمندسازی از طریق مشارکتهای اجتماعی در کمیته امداد امام خمینی (ره) با رویکرد مسجد محوری، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۰، شماره ۲، صص ۱۷۳-۱۴۷.
- رکن الدین افتخاری، علیرضا، مهدی پورطاهری و اکبر میرجلالی، (۱۳۹۲) نقش نهاد خیریه ای کمیته امداد در بهبود کیفیت فیزیکی مسکن مددجویان تحت پوشش روستایی مورد بخش کندوان شهرستان میانه، جغرافیا و توسعه، شماره ۳۳، صص ۲۶-۱.

- روحانی، علی، مسعود انبارلو و علی یوسفی طالقانی، (۱۳۹۶) جایگاه توانمندسازی روستایی در توسعه اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان درام شهرستان طارم) مهندسی جغرافیایی سرزمین، دوره اول، شماره ۲، صص ۱۱۷-۱۱۹.
- زاهدی مازندرانی، جواد، (۱۳۹۴)، فقر روستایی و روند اندازه گیری آن در ایران (تبیین روشها و نقد رویکردها)، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷، ص ۱۷.
- زیاری، کرامت الله، (۱۳۹۳)، مکتبها، نظریه ها و مدل‌های برنامه و برنامه ریزی منطقه ای، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران. ص ۲۰۱
- صادق پور، بهرام و وهاب مرادی، (۱۳۸۹). تحلیل آماری با نرم‌افزارهای Amos و spss. چاپ هجدهم، بابلسر، دانشگاه مازندران. ص ۳۳۰
- ضیائی، محمدصادق، عباس نرگسیان و سعید آبیانی اصفهانی، (۱۳۸۷)، نقش رهبری معنوی در توانمند سازی کارکنان دانشگاه تهران، نشریه مدیریت دولتی، ۱(۱)، صص ۸۶-۶۷.
- غفاری، غلامرضا، حسن دارابی و پرویز جهانگیری، (۱۳۸۸)، مروری بر شاخص های توانمندسازی با تأکید زنان سرپرست خانوار، اداره کل امور بانوان شهرداری تهران، صص ۳۴۰-۳۱۹.
- قنبری، یوسف، راضیه نوری و حسین غفورزاده، (۱۳۹۵) ارزیابی نقش کمیته امداد امدادخیمینی در توسعه اشتغال پایدار روستاها، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۶۴، صص ۱۴۶-۱۱۷.
- کرد، باقر و عبدالعزیز آبتین، (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی روستایی در استان سیستان و بلوچستان، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۳۲، صص ۱۴-۱.
- کمیایی، سیدعلی (۱۳۹۰)، شیوه های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۱ (۴۰)، ۹۲-۶۳.
- محمدپور، احمد، داریوش بوستانی و مهدی علیزاده، (۱۳۹۱)، ارزیابی کیفی عملکرد سازمانهای بهزیستی و کمیته ی امداد در کاهش فقر زنان سرپرست خانوار شهر ساری، فصلنامه ی علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۴۶، صص ۳۱۹-۳۵۲.
- محمدی یگانه، بهروز، مهدی چراغی و زهرا یزدانی، (۱۳۹۳)، تحلیل عوامل مؤثر بر توزیع فضای فقر در نواحی روستایی، با تأکید بر ویژگی های اقتصادی- اجتماعی، مورد شناسی دهستان محمود آباد، شهرستان شاهین دژ، فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا و آمایش شهری- منطقه ای، شماره ۱۳، صص ۹۶-۸۳.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسن، مجتبی قدیری معصوم، فضلہ دادورخانی، جهانگیر یداللهی فارسی و زهرا ترکاشوند، (۱۳۹۱)، تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی روستاییان در توسعه ی کارآفرینی (مطالعه موردی : بخشهای زند و سامن، بلوچستان)، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۳۲، صص ۱۴ - ۱.
- میرزایی، حسین، غلامرضا غفاری و علیرضا کریمی، (۱۳۸۹)، توانمندسازی، صنعتی شدن و عوامل زمینهای مؤثر بر آن (مطالعه موردی : مناطق روستایی شهرستان قروه)، فصلنامه پژوهشهای روستایی، شماره ۴، صص ۱۲۸-۹۹.
- نیازآذری، کیومرث و مریم تقوایی یزدی، (۱۳۹۳)، ارائه الگوی توانمندسازی مدیران واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران، فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، شماره ۲، صص ۱۸۰-۱۵۹.

- ولایی، محمد، حسین کریم زاده و رضا منافی آذر، (۱۳۹۷)، **تحلیل موانع توسعه کسب و کارهای خرد در نواحی روستایی شهرستان میاندوآب**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال هفتم، شماره سوم (پیاپی) ۲۵، صص ۱۳۸-۲۰۸.
- Abayomi, A., & Abadat, A., (2014), **The Roles of Selected NGOs in Economic Empowerment of Rural Women in Ibadanland, Nigeria**. Academy of Management Journal, 39:PP.483-504.
- Abraham, J. A. (2011), **Measurement of Social Empowerment of Farmers in SHGS: Evidence from India**, International NGO Journal, Vol. 6(12), December 2011, pp. 255-261.
- Erstad, M., (2007) **Empowerment and Rural Development**, International Journal of Rural Development, pp.134-136.
- Evans, E. N., (2010), **Liberation Theology**, Empowerment Theory and Social Work Practice with the Oppressed International Social Work, PP.234-235.
- Fernandez, S., & Moldogaziev, T. (2015). **Employee Empowerment and Job Satisfaction in the U.S. Federal Bureaucracy: A Self-Determination Theory 16.Perspective**, the American Review of Public Administration July 1, 45 (4), 375-401.
- Kinney, R.F.(2006), **The Community Empoverment scale, Fountain House Inc, New York**, pp 34-35.
- Sharma,P.N., & Kirkman,B.L(2015).**Leveraging leaders: A literature review and future lines of inquiry for empowering leadership reseaech**, Grop Organization Management, 40(2), ۱۹۳-۲۳۷.